

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان  
سال پنجم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۷

## راهبردها و تاکتیک‌های تقابل با نظام سلطه در سیره سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام

سید محمد طباطبایی\*

### چکیده

تقابل دوسویه ائمه اطهار علیهم‌السلام با حاکمان زمان خود از منظر امنیتی و شناخت تهدید، دوگانه‌ای است که امامت را خطری بر موجودیت حکومت و حکومت را خطری بر موجودیت اساس دین می‌داند. نتیجه این تقابل، اتخاذ راهبردهایی است که از طریق جنگ نرم، به اقدامات عملی در تضاد و تعارض با یکدیگر می‌انجامد. در همین راستا، امامان معصوم علیهم‌السلام راهبردهای گوناگونی را از طریق ابزار متناسب با شرایط خود به کار می‌گرفتند که با دو تاکتیک عمده اجرایی می‌شد: مدیریت ادراک و تقیه. امامان معصوم علیهم‌السلام جنگ نرم گسترده‌ای را از مسیر فوق بر ضد حاکمان زمان خود اجرایی می‌ساختند که از سویی موجب نفوذ جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و تحکیم و ثبات شیعه در جهان اسلام شد و از سوی دیگر، به ترلز سیاسی خلفا و تلاش برای حذف سیاسی و فیزیکی اهل بیت علیهم‌السلام انجامید.

**واژه‌های کلیدی:** اهل بیت علیهم‌السلام، راهبرد، اصول راهبردی، تاکتیک، سیره سیاسی.

---

\* دانش‌آموخته سطح دو رشته تاریخ اسلام موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه‌السلام.

## مقدمه

شرایط سیاسی - اجتماعی زندگی اهل بیت علیهم السلام متفاوت بود. هدف کلی و راهبرد همه اهل بیت علیهم السلام، استقرار دین اسلام و گسترش فرهنگ تشیع بود اما با توجه به شرایط از تاکتیک‌های مختلف در چهارچوب راهبرد اصلی استفاده می‌کردند.

### ۱. مفاهیم

#### ۱-۱. تهدید

«تهدید وضعیتی است که در آن مجموعه‌ای از ادراکات و تصورات انسان نسبت به پدیده‌ها و رابطه آن‌ها به بقا، کمیت یا کیفیت ارزش مورداحترام، احساس خطر جدی یا نابودی را القا می‌کند»<sup>۱</sup>

تهدید، نبود وضعیت امن است؛ وضعیتی که ارزش‌ها و الگوهای حاکم بر یک جامعه و مصالح آن باید در ثبات قرار گیرد. تهدید، نقض این وضعیت و درخطر قرار دادن آن است.

#### ۱-۲. راهبرد

واژه راهبرد (strategy) پیش‌تر فقط در امور نظامی به کار گرفته می‌شد اما «در دیدگاه جدید، استراتژی یک برنامه واحد، همه‌جانبه و تلفیقی است که نقاط قوت اصلی و نقاط ضعف اصلی سازمان را با فرصت‌ها و تهدیدات محیط مربوط می‌سازد و به نحوی طراحی شده است که با اجرا صحیح آن از دستیابی به اهداف اصلی سازمان اطمینان حاصل می‌گردد»<sup>۲</sup>

بنابراین، راهبرد؛ مجموعه اقدامات و برنامه‌ها برای رسیدن به اهداف اصلی از پیش تعیین شده است.

۱. گروه مطالعاتی امنیت ملی، ۱۳۸۷: ۴.

۲. ویکی‌پدیا.



### ۱-۳. تاکتیک

«تاکتیک به روش‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن، استراتژی به اجرا درمی‌آید تا به هدف‌های موردنظر برسد.»<sup>۱</sup> با توجه به این تعریف، تاکتیک راهکارهایی عملی است که اجرای راهبردها بدان نیازمند است.

### ۱-۴. مدیریت ادراک

مدیریت ادراک، مجموعه عملیات تاکتیکی است که برای نفوذ و سلطه بر اندیشه، احساسات و انگیزه‌های دشمن یا مخاطب از طریق سیاست‌گذاری بر ذهن او انجام می‌شود. بر اساس این تعریف، مدیریت ادراک برای آن است که بتوان دیدگاه‌ها و ذهنیت طرف مقابل را تغییر داد یا به گونه‌ای خنثی نمود که در تقابل با دشمن منفعل شود. به همین جهت در تعریف آن آمده است:

«اقداماتی جهت ارسال یا انکار اطلاعات و شاخص‌هایی برای مخاطب خارجی در جهت نفوذ بر احساسات، انگیزه، اهداف و تعقل آن؛ همچنین اقدامات جهت ارسال و یا انکار اطلاعات و شاخص‌هایی برای سیستم‌های اطلاعاتی و رهبران در تمام سطوح، جهت نفوذ برآوردهای ملی که در نهایت به رفتار خارجی و اقدامات رسمی و مطلوب برای اهداف اقدام کننده منتج شود.»<sup>۲</sup>

### ۱-۵. نظام سلطه

هرچند تعریف اصطلاحی نظام سلطه با فضای مدرن کنونی در جهان قابل تطبیق است و عبارت است از: «مجموعه‌ای از بازیگران نظام بین‌الملل که تلاش دارند قواعد بازی نظام ناعادلانه و ظالمانه را حفظ کنند.»<sup>۳</sup> ویژگی‌هایی اساسی آن در عصر اهل بیت علیهم‌السلام نیز قابل تطبیق است: «نظام سلطه‌گر، حق را با زور می‌داند

۱. علی محمد اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۱۱۷.

۲. حجت‌الله مرادی، ۱۳۸۹، صص ۱۲-۱۳.

۳. رضا رحمتی، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

و بر این باور است که هر که قدرت داشته باشد، محق است تا آنجا که قدرت فی نفسه هدف است.<sup>۱</sup>

## ۲. شرایط سیاسی عصر اهل بیت علیهم السلام و راهبرد ایشان در برابر حاکمیت

در یک تقسیم تاریخی، عصر اهل بیت علیهم السلام به دو دوره کلی عصر تنزیل و عصر تأویل تقسیم می‌شود. مقصود از عصر تنزیل، دوره انقلاب نبوی صلی الله علیه و آله و نزول وحی است که اسلام در حال شکل‌گیری و التهاب عبور فکری فرهنگی جامعه قبیلگی حجاز است. با وجود تقابل نظامی گوناگون در این دوره، چهار رویکرد سیاسی مهم میان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مشرکان حجاز رخ می‌دهد: هجرت مسلمانان به حبشه، حصر اقتصادی، صلح حدیبیه و فتح مکه. منظور از عصر تأویل، دوره بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله است که جامعه دچار تفسیرهای گوناگون از اسلام می‌شود و امامت تنها ملجأ عصمت از خطای مسلمانان است. این دوره را می‌توان به تناسب تقابل سیاسی میان امامت و طاغوت به پنج دوره کلی سکوت، خلافت، قیام، مبارزه نرم و غیبت صغری تقسیم کرد. عصر سکوت، رویکرد ۲۵ ساله امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر نظام سیاسی روز، عصر خلافت، دوران حدود ۵ ساله خلافت امیرالمؤمنین و امام حسن علیه السلام و تقابل ایشان با حکومت معاویه، عصر قیام، دوره حدود ۲۰ ساله عصر حسنین علیه السلام - که به تقابل نظامی در روز عاشورا و سیاست امام زین‌العابدین علیه السلام در ایام اسارت می‌انجامد - و عصر مبارزه نرم، دوره قریب به ۲۰۰ سال که از سال ۶۲ ه.ق. تا ۲۶۰ ه.ق. در قالب مبارزه علمی، فرهنگی، کادر سازی شیعیان و تشکیل دولت سایه با عنوان «سازمان وکالت» محقق می‌شود؛ اما دوره پنجم، عصر غیبت صغری و ارتباط غیرمستقیم امامت با مردم از طریق سازمان وکالت است. این رویکردهای متفاوت متناسب با تغییر شرایط سیاسی و فضای اجتماعی تغییر می‌کند. با وجود این، تابع اصولی

ثابت و تاکتیک‌های راهبردی و عقلانی است که در عصر کنونی نیز قابلیت بهره‌گیری دارد و ما را در نحوه تقابل با نظام سلطه در روابط بین‌الملل رهنمون می‌شود تا بتوان به منطق عملی در برابر فضای امنیتی جنگ نرم جمهوری اسلامی ایران با نظام سلطه بر اساس مکتب اهل بیت علیهم‌السلام دست یافت. راهبرد اصلی اهل بیت علیهم‌السلام در برابر فضای موجود، تلاش برای حفظ اسلام و تشکیل حکومت اسلامی است اما راهبردهای میانی گوناگون نیز توسط ایشان در زمان‌های متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرد که در این مقاله بدان اشاره خواهد شد.

### ۱-۲. بررسی شرایط سیاسی در عصر تنزیل

عصر رسالت دو فضای عمده سیاسی دارد که در دو مرحله زمانی محقق می‌شود: فضای پیش از هجرت که مسلمانان در اقلیت، فاقد شئون سیاسی و نظامی و تحت فشار حاکمیت هستند و فضای پس از هجرت که میان آنان و مشرکان موازنه قدرت به نفع اسلام شکل می‌گیرد و به حذف سیاسی مشرکان می‌انجامد؛ بنابراین، تقابل میان اسلام و شرک در دو فضای سیاسی متفاوت صورت می‌پذیرد. در فضای نخست، تعارض میان اکثریت حاکم و اقلیتی است که با همبستگی خود و از طریق رهبری معنوی واحد، به چالشی برای قدرت حاکم تبدیل می‌شوند. در فضای دوم، تعارض میان دو واحد سیاسی است که یکی بر پایه نظام منحنی قبیلگی و دیگری بر اساس نظام الهی شکل گرفته و هر دو از جایگاه مردمی برخوردار است. با توجه به تمایزهای فوق می‌توان نزاع میان مسلمانان و مشرکان را در مرحله نخست، نزاع درون حاکمیتی و مسئله‌ای ملی و در مرحله دوم، در حوزه روابط میان حکومت‌ها و ملت‌ها (بین‌الملل) دانست.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیش از هجرت با دو چالش اساسی روبه‌رو می‌شود: خفقان مشرکان علیه مسلمانان - به هجرت به حبشه می‌انجامد- و حصر اقتصادی در منطقه شعب ابی‌طالب. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دو دلیل اساسی مسلمانان را مأمور به هجرت به سمت حبشه کرد: رهایی مسلمانان از محظورات و گرفتاری‌ها و حفظ



اسلام آنان از ارتداد در فضایی امن<sup>۱</sup> که شأن نزول آیه ۴۱ سوره نحل<sup>۲</sup> و مناسب با آیه ۵۶ سوره عنکبوت است.

خروج مسلمانان از مکه موجب شد تا مشرکان قریش دسترسی به میزان چشم گیری از مسلمانان نداشته باشند اما احساس خطر قریش از مسلمانان باقی مانده در مکه و ایجاد فشار بر بنی هاشم برای قتل پیامبر خدا ﷺ<sup>۳</sup> به قطع روابط اجتماعی و اقتصادی با آنان و محصور شدن در منطقه شعب ابی طالب انجامید.

آنچه سبب تقسیم مسلمانان در حبشه و شعب ابی طالب می شود نظام اجتماعی حجاز - نظام قبیلگی - است که موجب در امان ماندن رسول اکرم ﷺ در ذیل شاخه بنی هاشم از قریش و ناامنی عموم مسلمانان - مانند بلال و عمار که فاقد قبیله و از بردگان بودند - می شود.

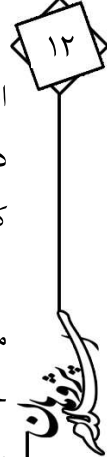
بنابراین، شرایط سیاسی عصر تنزیل پیش از هجرت با همبستگی اقلیتی مذهبی به رهبری واحد در شهر مکه تعریف می شود که در ذیل نظام اجتماعی حجاز قرار می گیرد و به صورت تبعیض گونه، برخوردار از آزادی یا دچار محدودیت می گردد. راهبرد رهبر مسلمانان در این موقعیت، حفظ امنیت جانی و دینی مسلمانان و بهره گیری مشروع از تمام توان موجود - مانند حمایت قبیلگی - برای مقابله با اکثریت حاکم است.

تلاش پیامبر ﷺ برای جلب سران مکه و پذیرش اسلام توسط آنان بی نتیجه ماند و پیامبر ناچار شد از محیط سیاسی مکه رویگردان شود و به جستجوی پایگاه سیاسی در سایر مناطق حجاز پرداخت. تلاش برای یافتن متحد از میان قبایل دیگر و یا محیط مناسب برای استقرار مسلمانان و رهایی از آزار و

۱. ابن هشام، بی تا، ص ۲۶۵، ذهبی، ۱۴۱۳، ص ۳۶۵، ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ص ۱۶۵.

۳. بیهقی، ۱۴۰۵، ۳، ۴۵۸.



اذیت مشرکان مکه در طائف و سایر نواحی به دلیل سلطه قریش و ... بدون نتیجه ماند اما پذیرش پیامبر توسط اهل پثرب (بعدها مدینه النبی) موفقیت آمیز بود. پیامبر در پرتو قدرت جدید خود در یثرب از تهدید کاروان تجاری اهل مکه تا تصرف مکه پیش رفت.

دوره ۱۰ ساله پس از هجرت، دوره مخاصمه سیاسی و نظامی میان حکومت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه با حکومت مشرکان در مکه است و پیمان حدیبیه و فتح مکه دو نقطه عطف در این مخاصمه به شمار می‌رود؛ زیرا اولین مرحله برای تثبیت سیاسی اسلام و آغاز فراگیری آن است. اقتدار قریش پس از شکست در جنگ احزاب به حدی خدشه‌دار شد که سران آنان از جنگ نظامی دوباره خودداری کنند. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز پس از پایان جنگ، این شرایط را به‌خوبی درک کرد و به مسلمانان فرمودند: «قریش پس از امسال با شما جنگ نخواهد کرد و شما با آنان می‌جنگید.»<sup>۱</sup>

تغییر موقعیت سیاسی مسلمانان در برابر قریش راه همواری را برای حرکت بدون خونریزی به‌سوی مکه فراهم می‌کرد. از این رو می‌توان عدم اصرار قریش بر جنگ با رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منطقه حدیبیه و رضایت به پیمان‌نامه را در این راستا تفسیر کرد. از سوی دیگر، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با بهره‌گیری از موقعیت سیاسی فوق، قریش را - با عمره سال ششم هجرت - در محدودیت قرار داد. آنان سه‌راه داشتند:

۱. با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منطقه حدیبیه جنگ کنند؛ این عمل موجب تقبیح قریش نزد افکار عمومی و تنزل جایگاه اجتماعی آنان می‌شد؛ زیرا مسلمانان بدون ابزار جنگی و فقط برای انجام عمره آمده بودند و بازداري مردم از زیارت‌خانه خدا، کاری ناشایست به شمار می‌آمد.

۱. بیهقی، ۱۴۰۵: ۳، ۴۵۸.



۲. اجازه ورود پیامبر ﷺ به مکه را بدهند که موجب خواری و اظهار ضعف در برابر مسلمانان بود.

۳. حاضر به مذاکره شوند.

مشرکان مکه راه سوم را برگزیدند و در طی مذاکره میان سهیل بن عمرو و با پیغمبر اسلام ﷺ معاهده‌ای با مسلمانان بستند. راهبرد رهبری جامعه اسلامی در این موقعیت، تضعیف حداکثری دشمن باهدف گسترش اسلام در وضعیت امن و مبتنی بر اقتدار است که مفاد معاهده و اقدامات پس از آن گواه بر این مطلب است. رسول خدا ﷺ در طی معاهده حدیبیه توانست:

۱. آزادی را برای قبائل موافق خود تضمین کند تا از اسلام آوردن خود در ذیل قدرت قریش هراس نداشته باشند.

۲. قدرت سیاسی قریش را تا حدی تنزل دهد تا مجبور شود با پیمان بستن با مخالفان، خود را از تهاجم از جانب قدرت برتر حفظ کند.

۳. ترویج اسلام را در مکه آزاد کند. رسول خدا ﷺ از سویی توانست در سال هفتم هجری بدون هیچ آزار مشرکان، اعمال عمره را در مکه انجام دهد و از سوی دیگر - بنا بر نسخه طبرسی از معاهده در اعلام الوری<sup>۱</sup> - محدودیت در آزادی مسلمانان مکه را برچیند.

رسول خدا ﷺ در ادامه اجرای راهبرد خود دو اقدام مهم داشت:

الف) ارسال نامه تبلیغی به سران سیاسی جهان در پی آزادی حاصل شده از پیمان نامه.

ب) فتح مکه به دنبال نقض مفاد معاهده از سوی قریش.

بنابراین پیامبر اکرم ﷺ توانست با بهره‌گیری از ضعف مشرکان، حذف سیاسی آنان را رقم زند.

۱. طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۵۶.





## ۲-۲. بررسی شرایط سیاسی در عصر تأویل

موقعیت سیاسی عصر تأویل در شرایط گوناگونی قابل تفسیر است که از نظر

می‌گذرد:

### ۲-۲-۱. عصر سکوت

عصر سکوت چهار دوره را در برمی‌گیرد: ایام سقیفه (سه ماه)، ایام خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ ه.ق.)، ایام خلافت عمر (۱۳-۲۳ ه.ق.) و ایام خلافت عثمان (۲۳-۳۵ ه.ق.). موقعیت اجتماعی و سیاسی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این چهار دوره متفاوت است که راهبردهای گوناگونی را می‌طلبد.

ایام سقیفه سه ویژگی مهم دارد: احیای مجدد نظام اجتماعی جاهلیت، تلاش عمر برای تثبیت کامل حاکمیت ابوبکر و مطرح بودن امام علیه‌السلام به‌عنوان وصی و جانشین پیغمبر. کنار هم آمدن این سه ویژگی، پیچیدگی و دشواری‌هایی ایجاد می‌کند که در راهبرد ایشان در برابر سقیفه تأثیرگذار است. امام علیه‌السلام پس از شهادت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با دو بحران ریزش اجتماعی و مخالفان قوی، روبه‌روست و این مسئله با فرهنگ جاهلی ارتباط قویم دارد. مسلمانان در سال ۱۱ هجری سه دسته عمده‌اند:

۱. مسلمانانی که سابقه جنگ با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دارند و عمده شامل مردم مکه پس از فتح آن هستند.
۲. تازه‌مسلمانانی که پس از فتح مکه و تحت تأثیر شرایط سیاسی، مجبور به پذیرش اسلام شده‌اند، هرچند پیش از آن بی‌طرف بوده‌اند.
۳. مسلمانانی که از آغاز بعثت در مکه یا کمی پس از آن در بیعت عقبه یا مدینه، به اسلام روی آوردند.

در میان اینان، مردم مکه (طلقاً) به سبب جنگ‌های گوناگون مانند بدر و احد از امیرالمؤمنین علیه‌السلام کینه‌دارند و اهل سقیفه با استفاده از این افراد توانستند



به موفقیت‌هایی - مانند غصب فدک و زمین‌های زراعتی ایشان - دست یابند.<sup>۱</sup> مردم نواحی دیگر - که به تازگی مسلمان شده‌اند - نیز اسلام را کم‌وبیش بر اثر اقتدار سیاسی پیامبر خدا ﷺ پذیرفته‌اند و - بر اساس نظام اجتماعی جاهلیت - به حاکمیت رئیس قبیله رضایت دارند تا حاکمیت واحد؛ زیرا عرب حاکمیت قبیله‌ای بر قبیله دیگر را نمی‌پذیرفت<sup>۲</sup> و یکی از علل وقوع جنگ‌های «رده» پس از خلافت ابوبکر تأکید بر این فرهنگ جاهلی است اما دسته سوم تفاوتی اساسی با دودسته دیگر دارد و از چند ویژگی متمایز برخوردار است:

۱. تقسیم‌بندی مهاجرین و انصار در این دسته مطرح است.
  ۲. منافقین در میان این دسته نفوذ کرده‌اند.
  ۳. به دلیل سابقه بیشتر در اسلام، نفوذ اجتماعی قوی‌تری دارند و اصحاب متنفذ پیامبر اکرم ﷺ جزء این دسته‌اند.
  ۴. اجتماع سقیفه در میان این دسته رخ می‌دهد.
- راهبرد امیرالمؤمنین علیه السلام در این شرایط بسیار پیچیده در برابر غاصبان خلافت، پس‌گیری حکومت است که به دلیل خشونت‌های شدید<sup>۳</sup> و عدم حمایت عمومی<sup>۴</sup> با شکست مواجه می‌شود.
- با وجود این، امام علیه السلام پس از بیعت و در زمان خلفای سه‌گانه، راهبرد صبر و سکوت را پیش می‌گیرد تا جان خود و شیعیان را در برابر خفقان حاکمیت تضمین کند و حکومت نوپای اسلام را از خطر اضمحلال درونی و فروپاشی در برابر تهاجم بیرونی نگاه دارد. خطبه شقشقیه بیانگر این راهبرد اساسی است: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَا فِصْبْرْتُ وَ فِی الْعَيْنِ قَدْ وَ فِی الْحَلْقِ شَجَا» دیدم که

۱. سید علی حسین پور، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵.

۲. حسن ابراهیم حسن، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳. سلیم بن قیس، ۱۴۰۵، ص ۳۴۲.

۴. همان.



صبر بر این [شرایط] لازم‌تر است. پس درحالی‌که خار در چشم و استخوان در گلوست صبر پیشه کردم.<sup>۱</sup> کارکرد اساسی این راهبرد را می‌توان در تأثیرات مشورتی قضائی و علمی امام علیه‌السلام در ایام خلفا و اوج گرفتن جایگاه سیاسی ایشان پس از پایان ایام آنان مشاهده کرد که امکان تصدی خلافت مسلمانان را باوجود ۲۵ سال خانه‌نشینی فراهم می‌سازد.

### ۲-۲-۲. عصر خلافت علوی و حسنی

عصر خلافت علوی و حسنی، عصر حکومت و قدرت سیاسی امامت است. باوجوداین، اختلاف و تعارض شدیدی که مدعی خلافت ایجاد می‌کند و با به چالش کشاندن حکومت به تضعیف آن اقدام می‌نماید راهبرد سیاسی جدیدی را برای حفظ اسلام خواستار است. چالشی که معصوم علیه‌السلام در این دوره با آن مواجه است بحران «خروج از حاکمیت» است که توسط سه دسته شکل می‌گیرد: در دسته اول، همسر و صحابه پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند که با انتخاب خلیفه زمان مخالفت دارند و سعی بر تحمیل گزینه سیاسی خود بر جامعه می‌کنند. دسته دوم، استاندار شام است که ادعای خلافت دارد به همراه مردمی که با او اسلام را شناخته‌اند. دسته سوم، خوارج‌اند که هرچند داعیه خلافت ندارند اما برهم زننده نظم و امنیت عمومی به شمار می‌رود.

از آن روی که موضوع نوشتار حاضر پیرامون تقابل اهل بیت علیهم‌السلام با نظام سلطه است فقط به دسته دوم می‌پردازد زیرا تنها همین دسته توانست درنهایت به حاکمیت مطلق و نظام سلطه انجامد. تقابل امامت با این دسته در دو واقعه تاریخی - «جنگ صفین و حکمیت» و «جنگ سبابط و صلح» - قابل تحلیل است که شامل راهبرد نظامی «جنگ تا پیروزی کامل» بود و اساساً پذیرش حکمیت توسط امیرالمؤمنین علیه‌السلام و صلح امام حسن علیه‌السلام را نمی‌توان به‌عنوان بخشی از یک

۱. شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۹.



راهبرد سیاسی برشمرد؛ زیرا هر دو واقعه در شرایط تحمیلی ویژه صورت گرفته است. همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه السلام به سبب فشار سپاهیان خود حاضر به حکمیت شد، امام حسن علیه السلام نیز به سبب همراهی نکردن مردم عراق، فقدان نیروی نظامی و جلوگیری از خسارت بیشتر - اضمحلال شیعه - صلح با معاویه را پذیرفت. از سوی دیگر، پیشنهاد حکمیت و صلح از سوی معاویه بود و او سعی کرد تا از این دو راه بدون جنگ به مقصود خود نائل آید. صلح امام حسن علیه السلام را حداکثر می‌توان به‌عنوان راهبردی اضطراری برشمرد که به سبب شکست در راهبرد نظامی و برای جلوگیری از تهدیدها و مفاسد بیشتر پذیرفته شده است.

### ۲-۲-۳. عصر قیام

عصر قیام شامل ۱۰ سال امامت امام مجتبی علیه السلام پس از صلح با معاویه، قریب به ۱۱ سال امامت سیدالشهدا علیه السلام و ایام آغازین امامت امام زین‌العابدین علیه السلام پس از عاشورا می‌شود. هرچند بیشتر این دوران ۲۱ ساله، دورانی به‌ظاهر در آرامش و سکوت است اما از آنجاکه مقدمه‌چینی جریان عاشورا در این ایام شکل می‌گیرد، آن را عصر قیام می‌نامند. در این دوران، حسنین علیه السلام با اتکا بر دو راهبرد افشاگری و نفی مشروعیت از حکومت، زمینه‌های قیام فراگیر بر ضد بنی‌امیه را فراهم ساختند که آمادگی مردم کوفه - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام - برای قیام بر ضد یزید به دنبال آن فراهم آمد. شیوه طراحی مفاد پیمان‌نامه با معاویه توسط امام حسن علیه السلام - مانند عمل به کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خلفای صالح<sup>۱</sup> و نفی وراثت در خلافت و واگذاری آن به شورا<sup>۲</sup> پس از معاویه - و اقدامات گوناگون حسنین علیه السلام پس از تسلط بنی‌امیه - مانند سخنرانی و احتجاج پیرامون عدم مشروعیت حکومت معاویه یا تحریک مردم به مقابله با وی در دو سال پایانی عمر او و گسترش

۱. ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ص ۳۶۹.

۲. همان.

سرکوب‌ها،<sup>۱</sup> مصادره اموال دولتی<sup>۲</sup> و مقابله با کارگزاران معاویه در مدینه<sup>۳</sup> - توانست علاوه بر افزون سازی نفرت عمومی نسبت به دولت بنی‌امیه، بر عدم مشروعیت آن تأکید کند و پاسخ خفقان معاویه را بدهد. این جریان سازی - علاوه بر افزایش شیعیان در حجاز و عراق - امکان قیام حسینی را در سال ۶۰ و مقارن با مرگ معاویه فراهم کرد تا نهضتی با راهبرد نهی از منکر و به هدف احیای سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم<sup>۴</sup> شکل گیرد. هرچند این نهضت سرکوب شد اما جوششی فراگیر را به دنبال داشت که با رهبری امام سجاد علیه‌السلام در دوران اسارت و قیام‌های پی‌درپی موجب بیداری مسلمانان شد.

#### ۲-۲-۴. عصر مبارزه نرم

این دوره، ایام امامت ۸ تن از معصومان علیهم‌السلام است که تقریباً پس از بازگشت امام زین‌العابدین علیه‌السلام از اسارت تا شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام را دربر می‌گیرد. اهل‌بیت علیهم‌السلام در این دوره از سه راهبرد اساسی استفاده می‌کردند.

#### ۱-۲-۲-۴. تدوین فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی پس از شکل‌گیری در عصر رسالت، نیازمند تثبیت و صیانت است. راهبرد امام سجاد علیه‌السلام و صادقین علیهم‌السلام در دوره تثبیت، تدوین فرهنگ اسلامی از طریق تربیت شاگردان است که از عصر امام کاظم علیه‌السلام به بعد با شکل‌گیری مجموعه راویان، فقها و متکلمان از شیعیان به ثمر می‌نشیند.

«ائمه شیعه در این برهه، موضع اصلی خویش را بیان معارف دینی واقعی اسلام قراردادند و کار اصلی و اساسی خود را ... تدوین فرهنگ مذهبی و تربیت نسل محدث و راوی که بتواند آرای آنان را حفظ کند، تعریف کردند.»<sup>۵</sup>

۱. سلیم بن قیس، ۱۴۰۵، ص ۲۵۶، ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ۶۵۲، طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۴۵۲.

۲. ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۲۵.

۳. ابن هشام، بی‌تا، ص ۳۵۶.

۴. ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ص ۲۵۸.

۵. رسول جعفریان، ۱۳۹۳، ص ۳۸۰.



۲-۴-۲. مبارزه منفی

مبارزه منفی با حکومت، راهبرد دیگر امامان علیهم‌السلام در این دوره است. «نکته مهم در مبارزه منفی، عدم همکاری است؛ امری که به خودی خود، عدم مشروعیت هیئت حاکمه را نشان می‌دهد. شیوع و رسوخ چنین نگرشی نسبت به یک حکومت در میان مردم، خطر عمده‌ای برای آن بشمار می‌رود زیرا با عدم اعتقاد مردم به مشروعیت حکومت، هر آن ممکن است جنبشی برای براندازی آن ایجادشده و مردم به آن جنبش بپیوندند.»<sup>۱</sup> رفتارهایی چون معرفی خلفا به‌عنوان مصداق طاغوت<sup>۲</sup>، نامشروع دانستن قضات حکومت<sup>۳</sup>، مخالفت صریح امام کاظم علیه‌السلام با حضور و همکاری برخی شیعیان مانند زیاد بن ابی سلمه در دستگاه خلافت<sup>۴</sup>، خودداری امام رضا علیه‌السلام از پذیرش خلافت<sup>۵</sup> و قبول ولایتعهدی با تقیید به عدم همکاری پس از فشارهای مأمون<sup>۶</sup> نمونه‌هایی از مبارزه منفی اهل بیت علیهم‌السلام با نظام حاکم است.

۲-۴-۳. نفوذ

راهبرد سوم امامان علیهم‌السلام در این دوره، نفوذ به درون حاکمیت از طریق تاکتیک تقیه و میان مردم از طریق تشکیل سازمان وکالت است. تفاوت این راهبرد با راهبرد مبارزه منفی در خفاء و ظهور است. مبارزه منفی به‌صورت آشکار و نفوذ به‌صورت پنهان صورت می‌پذیرد. به همین جهت، امام کاظم علیه‌السلام با



۱. همان.

۲. ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵.

۳. فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ص ۳۶۹.

۴. کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۲۳.

۵. جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۱۶، ص ۳۵۶.

۶. باقر شریف القرشی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۴.

ورود علی بن یقطین - برخلاف زیاد بن ابی سلمه - در دستگاه عباسی موافقت می‌کند<sup>۱</sup> و حتی او را به عمل بر طبق شرایط وضوی اهل سنت مکلف می‌نماید<sup>۲</sup>. امام جواد علیه‌السلام نیز این روند را ادامه داد و از این رو «محمد بن اسماعیل بن بزیع» و «احمد بن حمزه قمی» مقامات والایی در دستگاه حکومت داشتند. «نوح بن دراج» نیز چندی قاضی بغداد و پس از آن قاضی کوفه بود. بعضی دیگر از شیعیان مانند «حسین بن عبدالله نیشابوری» حاکم «بُست» و «سیستان» شد و «حکم بن علیا اسدی» به حکومت بحرین رسید<sup>۳</sup>. از این رو اهل بیت علیهم‌السلام با بهره‌گیری از این راهبرد، به تقویت شیعه و حمایت مالی از شیعیان و مراقبت از جان آنان اقدام می‌کردند. از سوی دیگر، سازمان وکالت به‌عنوان یک شبکه ارتباطی فعال در سراسر جهان اسلام میان امامان علیهم‌السلام و شیعیان عمل می‌کرد که نفوذ اهل بیت علیهم‌السلام را در میان مردم افزون می‌ساخت و موجب تحکیم رابطه امام و مأموم در حوزه‌های عقیدتی و شرعی می‌شد.

#### ۲-۲-۵. عصر غیبت صغری

راهبرد امامت پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام، غیبت صغری - پنهانی از دیدگان مردم و ارتباط غیرمستقیم از طریق سازمان وکالت - است. این راهبرد از نتایج مثبتی برخوردار بود:

#### ۱-۲-۲-۵. امنیت امام علیه‌السلام و شیعیان

«عباسیان هنگامی که اطمینان یافتند امام عسکری علیه‌السلام فرزندی ندارد، خود را از پیگیری این امر راحت ساختند و این به نفع امام علیه‌السلام و شیعیان شد.»<sup>۴</sup> شاهد بر این امر، از یک سو خفقان و محدودیت شدیدی است که امامین عسکرین علیهم‌السلام

۱. کشی، ۱۳۴۸، ۴۳۳.

۲. شیخ حر عاملی، ۱۴۲۵، ۴، ۲۵۶.

۳. مهدی پیشوایی، ۱۳۹۰، ۵۸۷-۵۸۸.

۴. رسول جعفریان، ۱۳۹۳، ۷۲۶.



در حضور اجباری خود در سامرا با آن روبه‌رو بودند و حتی در معرض قتل قرار می‌گرفتند و از سوی دیگر، به زندان افتادن کسانی همچون حسین بن روح نوبختی -نائب خاص امام عصر (عج) و یکی از بزرگان شیعه- به مدت پنج سال در بغداد به معنای تکرار محدودیت‌های پیشین بر امام و شیعیان بود بنابراین به نظر می‌رسد غیبت صغری راهبردی مهم به شمار می‌رود که موجب حفظ ارتباط شیعیان با امام خود - هرچند محدود - در یک دوران ۶۹ ساله (۲۶۰-۳۲۹ ه.ق.) شد.

#### ۲-۲-۵-۲. آمادگی برای غیبت کبری

«این دوره را می‌توان دوران آماده‌سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرایط و آشنایان به احکام اسلام، رجوع کنند.»<sup>۱</sup>

بنابراین، ارتباط با امام عصر(عج) از طریق نایبان خاص، زمینه پذیرش شیعیان نسبت به نواب عام را فراهم ساخت.

#### ۳. تاکتیک‌ها و ابزارهای اهل بیت علیهم‌السلام در مبارزه سیاسی

راهبردهای اهل بیت ع در مقام اجرا از طریق تاکتیک‌ها و ابزارهای گوناگون عملیاتی می‌شده است:

##### ۳-۱. مدیریت ادراک

اهل بیت علیهم‌السلام در سه سطح حاکمیت، نخبگان سیاسی و عوام، اقدام به مدیریت ادراک می‌کردند:

۱. مهدی پیشوایی، ۱۳۹۰، ۶۹۱.



### ۱-۱-۳. حاکمیت و نخبگان سیاسی

معصومان علیهم‌السلام با تغییر در محاسبات حاکمان، در راهبردها و تصمیمات آنان ایجاد اختلال می‌کردند. نخبگان نیز غالباً هم در سطح حاکمیت نفوذ دارند و هم در سطح عوام؛ به همین جهت، مدیریت ادراک آنان مستلزم بهره‌جویی از دو سطح اختلال محاسبات و القای داده‌ها است. آنان از سویی با ارائه تحلیل به حکومت‌ها، محاسبات خود را اجرایی می‌کنند و از سوی دیگر، با برقراری نفوذ فکری خود در میان مردم، دیدگاه خود یا حاکمان را اعتبار می‌بخشند. ازاین‌رو مغلوب‌سازی نخبگان، پیچیده‌تر و دشوارتر از دو مورد پیشین است. به نظر می‌رسد در برخی موارد میان نخبگان سیاسی و حاکمان، عینیت مصداقی حاصل می‌شود که به همین جهت، اشاره به هر دو سطح در یک شماره مطرح می‌گردد.

#### ۱-۱-۱-۳. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در صلح حدیبیه به گونه‌ای رفتار کرد که قریش را در مقابل عمل انجام‌شده قرار داد. مشرکان که با انجام این صلح گمان دستیابی به برتری خویش نسبت به مسلمانان داشتند با پذیرش معاهده با مخالف سیاسی خود - که پیش از آن به رسمیت شناخته نمی‌شد - باعث شدند تا اسلام به‌عنوان یک حکومت جدید، امکان تبلیغ و گسترش داشته باشد. از سوی دیگر «مفهوم روشن معاهده حدیبیه آن بود که اگر هم‌پیمانان دو طرف با یکدیگر درگیر شدند، نباید قریش یا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به هم‌پیمان خود کمک برساند؛ زیرا مفهوم آن این است که خود آنان با یکدیگر سر جنگ دارند.»<sup>۱</sup> حمله به بنی‌خزاعه - هم‌پیمان بنی‌هاشم - نقض این صلح به شمار می‌رفت زیرا اولاً آتش بس ده‌ساله میان مسلمانان و مشرکان برقرار شده بود و هرگونه تحرک نظامی نقض آن به شمار می‌رفت، ثانیاً هرگونه تحرک نظامی علیه هم‌پیمان مسلمانان، تحرک علیه آنان

۱. رسول جعفریان، ۱۳۸۹، ۶۱۹.



بود. پیامبر خدا با توجه به این نکته -به بهانه حمله به بنی خزاعه- اقدام به فتح مکه نمود.

### ۲-۱-۱-۳. امام مجتبیٰ علیه السلام

هرچند معاویه در معاهده با امام حسن مجتبیٰ علیه السلام تمام مفاد این پیمان را زیر پا گذاشت و سعی می‌کرد با این کار، برتری خود را به دست آورد اما امام با مفادی که با وی امضا کرد، معاویه را در معرض افکار و اتهام مردم قرار داد. مردمی که تا پیش از این، ندای صلح سر می‌دادند،<sup>۱</sup> پس از مشاهده عهدشکنی معاویه پشیمان شدند و آن را مایه ذلت دانستند. با توجه به همین معاهده بود که حکومت یزید نیز نامشروع به شمار می‌رفت؛ زیرا بر اساس آن، تعیین خلیفه پس از معاویه از طریق شورا صورت می‌پذیرفت<sup>۲</sup> و نه نصب ولی عهد از جانب او.

### ۳-۱-۱-۳. امام رضا علیه السلام

مأمون با طرح ولایتعهدی، قصد ترور شخصیتی امام رضا علیه السلام و محدودیت سازی برای ایشان و شیعیان را داشت.<sup>۳</sup> امام علیه السلام با شروطی که در پذیرش آن لحاظ نمود -و مأمون گمان نمی‌کرد مانع از اهداف او شود- اجرای راهبردها و تصمیمات او را به اختلال کشاند. شروط امام علیه السلام، نداشتن حق عزل و نصب و عدم دخالت در امور حکومتی بود.<sup>۴</sup> این شروط و سایر اقدامات امام علیه السلام در طول دو سال ولایتعهدی (۲۰۱-۲۰۳ ه.ق.) - مانند روشنگری پیرامون اجبار مأمون بر قبول ولایتعهدی<sup>۵</sup> و نماز عید فطر<sup>۶</sup> - مانع از تحقق اهداف مأمون گردید.

۱. ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۶۲.

۲. ابن اعثم، ۱۴۱۱، ص ۴۷۸.

۳. صدوق، ۱۳۸۰، ص ۵۳۶.

۴. صدوق، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶.

۵. جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۱۶.

۶. باقر شریف القرشی، ۱۳۸۰.

### ۲-۱-۳. عوام

مدیریت ادراک عموم مردم از طریق القای داده‌ها در ذهنیت مخاطب صورت می‌گیرد. تحریک عواطف و جدال احسن، دو تاکتیک عمده در این سطح از مدیریت ادراک است که در مواقع گوناگون از ناحیه اهل بیت-به دلیل شدت خفقان سیاسی و نبود امکان تبلیغ آشکار امامت- مورد استفاده قرار می‌گرفت. گریه‌های شبانه‌روزی حضرت فاطمه زهرا(س) پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،<sup>۱</sup> تأکید امامان بر عزاداری، زیارت و اشک بر سیدالشهدا علیه‌السلام به خاطر ظلم‌ستیزی،<sup>۲</sup> بهره‌گیری امام زین‌العابدین علیه‌السلام از دعا، دستور امام رضا علیه‌السلام به اهل بیت علیهم‌السلام خود برای گریه بدرقه<sup>۳</sup> و مناظرات اعتقادی با مخالفان توسط خود یا اصحاب، نمونه‌هایی از اقدامات اهل بیت علیهم‌السلام در این باره است.

### ۲-۳. تقیه

تاکتیک تقیه در موارد گوناگونی کاربرد داشته است. از جمله موارد اعمال تقیه از جانب اهل بیت علیهم‌السلام پیرامون سازمان وکالت است. ایشان غالباً از این موارد به‌عنوان ابزارهای استفاده از تقیه بهره می‌جستند:

«سوق دادن فعالیت سازمان به سمت متمرکز شدن در افراد محدود همچون وکلای ارشد و یا باب‌ها، عدم تماس مستقیم رهبری با اعضای سازمان، استفاده از ابزار ارتباطی مطمئن همچون مراسم حج، منع موقت وکلا از هرگونه فعالیت مرتبط با کار سازمان تا زمان رفع خطر، بهره‌گیری از افراد ناشناس و غیر مرتبط به سازمان برای ایجاد ارتباط با مرکز، درحالی‌که خود فرستاده و پیک نیز از ماهیت مأموریتش بااطلاع نبود.»<sup>۴</sup>

۱. ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹.

۲. صدوق، ۱۳۷۸ و ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹.

۳. باقر شریف القرشی، ۱۳۸۰.

۴. محمدرضا جباری، ۱۳۸۲: ۱، ۲۲۹.



امام صادق علیه السلام درباره اهمیت تقیه می فرمود:  
«تقیه بخشی از دین خدا - در هر ملتی - در رفتار، گفتار و سکوت از حق  
برای حفظ جان، مال و ابقای دین است. اگر تقیه نباشد، دین خدا از میان می رود  
و اهل آن نابود می شود.»<sup>۱</sup>

### نتیجه‌گیری

معصومان علیهم‌السلام با اتکا به راهبردها و تاکتیک‌هایی به تقابل نرم با دشمنان خود می‌پرداختند. این تقابل، به ایجاد تهدیدهایی برای موجودیت حاکمیت می‌انجامید که از سویی موجب تقویت شیعه و تثبیت آن به‌عنوان یک مکتب فکری-سیاسی شد و از سوی دیگر، اسباب اصطکاک با حاکمان، محدودیت‌ها و شهادت ایشان را فراهم ساخت. راهبرد اصلی اهل بیت علیهم‌السلام در بیش از سه قرن ارتباط با مردم - از آغاز عصر رسالت تا پایان عصر غیبت صغری - تلاش برای حفظ اسلام و تشکیل حکومت اسلامی است که راهبردهایی میانی - تضعیف حداکثری دشمن، تدوین فرهنگ اسلامی، مبارزه منفی، نفوذ و غیبت - در ذیل آن تعریف می‌شود. اجرای این راهبردها نیازمند تاکتیک‌ها و ابزارهای است که به‌طور کلی تقیه و مدیریت ادراک را در برمی‌گیرد.

## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ ه.ق.
۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبی طالب، علامه، قم، ۱۳۷۹ ه.ق.
۴. ابن هشام الحمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم آبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۵. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۶. امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ه.ق.
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ه.ق.
۸. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ ه.ق.
۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ ه.ق.
۱۰. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ بیست و چهارم، قم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۱. حسن ابراهیم حسن، تاریخ الإسلام، دارالجیل، بیروت: چاپ چهاردهم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۱۲. حسین پور، سید علی و جباری، محمدرضا، تاریخ و ترتیب حوادث منتهی به شهادت حضرت زهرا(س)، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۳۵.
۱۳. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۲ ش.
۱۴. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم)، دلیل ما، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۹ ه.ش.
۱۵. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، علم، چاپ سوم، قم، ۱۳۹۳ ه.ش.
۱۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، دار الکتب، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۷. رحمتی، رضا و شفیعی فر، محمدرضا، سیاست تعاملی ضد نظام سلطه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۲۲.
۱۸. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، هجرت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۹. صدوق، عیون اخبار الرضا، جهان، تهران، ۱۳۷۸ ه.ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، آل البيت، قم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۲۱. العاملی، جعفر مرتضی، الحیاء السیاسیة للإمام الرضا علیه‌السلام، جامعه مدرسین، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۲. عاملی، شیخ حر، اثبات الهداء بالنصوص و المعجزات، اعلمی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۵ ه.ق.
۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۴. القرشی، باقر شریف، حیاة الإمام الرضا علیه السلام، سعید بن جبیر، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۵. کشی، محمد بن عمرو، اختیار معرفة الرجال، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ ه.ش.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ ه.ق.
۲۷. کوفی، احمد ابن اعثم، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۱۱ ه.ق.
۲۸. گروه مطالعاتی امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهدیدات قدرت ملی، شاخص‌ها و ابعاد، ۱۳۸۷، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
۲۹. مغربی، ابن حیون نعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام، تصحیح آصف فیضی، آل البيت، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵ ه.ق.
۳۰. مرادی، حجت‌الله و الیاسی، محمدحسین، مدیریت ادراک، ساقی، تهران، ۱۳۸۹ ه.ش.
۳۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، الهادی، قم، ۱۴۰۵ ه.ق.

